

وداع با کت و شلوارهای ۵۰ هزار تومانی باب همایون

[ad_1]

به گزارش روابط عمومی گروه تجاری ققنوس، روزنامه ایران نوشت: «آخرین نسل کت و شلوارهای باب همایون، همچنان در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند. اگر چه آسفالت جای خودش را به سنگفرش داده و هر مغازه با سوغات گوشه‌ای از ایران تلاش می‌کند، نوستالژی گذشته را زنده کند اما دیگر از آن بروبیای مشتری‌های کت و شلوار کلاسیک خبری نیست. همان جایی که زمانی به کت و شلوارهای ۵۰ هزار تومانی‌اش هم معروف شد؛ کت و شلوارهای ساده اداری و این اواخر هم البته چینی.

بوی قهوه و نیمرو و انواع ادویه خیابان را برداشته و انتهای خیابان چند مغازه کت و شلوار همچنان پابرجاست با مغازه‌دارهایی که دم در منتظر مشتری‌اند.

حاج عباس با موهای جوگندمی در گوشه‌ای از مغازه نشسته و به صف مسافران اتوبوس خیره شده. ۵۵ سال است که از همین نقطه تغییر خیابان و تغییر سلیقه مشتری را دیده: «سال ۴۲ وقتی جوان بودم به باب همایون آمدم و برای خودم این مغازه را دست و پا کردم. روبه‌روی باب همایون بیمارستان ۳۰۰ تختخوابی بود و از تونل زیر بیمارستان، درشکه‌ها به کاخ گلستان می‌رفتند. آن سال‌ها در کنار کت و شلوار فروشی‌ها، مغازه‌های کاشی‌فروشی و انواع دستگاه‌های تایپ هم بود اما تنها کت و شلوارها ماندند. باید اهل اردبیل باشی تا بتوانی در این صنف دوام بیاوری. ما سختی‌های زیادی را تحمل کردیم و حالا هم با همه مشکلات می‌مانیم.»

حاج عباس درباره تفاوت مد لباس امروز و دیروز می‌گوید: «تفاوت زیادی در مد لباس بخصوص کت و شلوار نسل قدیم و جوان‌های امروزی دیده می‌شود. چند سالی است که کارهای فانتزی مد شده؛ کت و شلوارهای اسپرت کوتاه و تنگ و اسلیم فیت اما قدیم کت و شلوار کمی آزادتر و راحت‌تر بود. الان شلوارها تنگ و کوتاه شده و دکمه کت بسته نمی‌شود. جوان‌ها بیشتر طالب این نوع مد هستند اما میانسال‌ها هنوز هم دنبال کت و شلوارهایی با همان سبک و سیاق قدیم می‌گردند. من هم کت و شلوار کلاسیک می‌پوشم و معتقدم انسان باید در لباسی که

به تن می‌کند احساس راحتی داشته باشد. البته پارچه‌هایی که قدیم برای کت و شلوار استفاده می‌شد هم با پارچه‌های چینی امروز که توی بازار فراوان است تفاوت زیادی داشت. کت و شلوارهایی که با پارچه چینی وارداتی دوخته می‌شود بعد از چهار بار شست و شو رنگ پس می‌دهد و دیگر قابل پوشیدن نیست. متأسفانه تجار ما برای سود بیشتر این پارچه‌ها را وارد می‌کنند. قدیم پارچه‌ها از نخ آلمانی بود و پارچه مطهری حرف اول را می‌زد. هنوز هم معتقدم که پارچه‌های ایرانی خیلی کیفیت بهتری دارند.

قدیم کارخانه‌های مقدم، افشار، جهان و مرینوس پارچه‌های خوبی تولید می‌کردند. متأسفانه خیلی از کارخانه‌های پارچه ما از بین رفت. ما قبلاً تولیدی کت و شلوار داشتیم و هفته‌ای ۶۰۰ دست کت و شلوار تولید می‌کردیم و به شهرستان می‌فرستادیم اما با مشکلات اقتصادی و چکه‌هایی که هر روز برگشت می‌خورند ناچار تولیدی را تعطیل کردیم. آن سالها قیمت کت و شلوار با توجه به پارچه خوبی هم که در آن استفاده می‌شد خیلی مناسب بود و مشتری‌های کت و شلوار معمولاً در سال سه یا چهار بار برای خرید می‌آمدند. الان سالی یک بار هم سر و کله‌شان پیدا نمی‌شود.»

سید محمود هم که یکی از فروشندگان قدیمی باب همایون است با تأیید حرف‌های حاج عباس می‌گوید: «مد هم مد قدیم. نه پارچه‌های امروزی مثل گذشته است نه مد کت و شلوار.» یک عمیقی به سیگارش می‌زند و با اشاره به کت و شلوارهایی که پشت ویتترین خودنمایی می‌کنند، می‌گوید: «یادش بخیر، پارچه مقدم بهترین پارچه کت و شلواری بود و اگر تنت می‌کردی تا چند سال از خریدن کت و شلوار بی‌نیاز بودی. اما از وقتی پای تجارت پارچه به ایران باز شد و سروکله جنس‌های چینی پیدا شد خیلی‌ها برای این که بیشتر سود کنند پارچه‌های بی‌ارزش وارد کردند و در اختیار دوزنده‌های کت و شلوار گذاشتند و به این ترتیب کت و شلوارها هم شدند یک بار مصرف. این پارچه‌های چینی که متأسفانه فقط به خاطر جلوه زیبایی که دارند مورد پسند جوانان هستند خیلی سریع رنگ پس می‌دهند و زود هم از بین می‌روند.»

جوان‌های امروزی اغلب دنبال مد روز هستند و کت تک دکمه و اندامی و کوتاه می‌پوشند. زمان جوانی ما و کمی بعدتر کت‌های سه دکمه و کت‌های بلیزر مد بود. کت و شلوار بخوبی به تن می‌نشست اما الان به یک جوان کت مدل بلیزر بده بگو اگر تن بزنی ۲ میلیون تومان پاداش می‌گیری قول می‌دهم باز هم حاضر به پوشیدن نمی‌شود. آن سالها مد لباس خیلی بهتر از امروز بود. الان شلوار پاره می‌پوشند و می‌گویند مد است.

نمی‌دانم این نوع مد را چرا نمی‌توانم هضم کنم؟ لباس باید با وقار به تن بنشیند. کت و شلوارهایی که از پارچه مطهری دوخته می‌شوند از بهترین نخ و پشم هستند و تابستان و زمستان هم می‌شود تن کرد. اما بیشتر جوان‌ها دنبال کارهای اندامی هستند و اهمیتی به نوع پارچه نمی‌دهند. اگر قرار است از تولید ملی حمایت کنیم باید از همین پوشش شروع کنیم. باید کاری کنیم تا دوباره پارچه‌های مقدم و فاستونی و مطهری زنده شوند. امیدوارم اتفاق بیفتد و با کم شدن مشکلات اقتصادی مردم باز هم برای خرید کت و شلوار رغبت نشان دهند.»

با گسترش فضای مجازی خیلی از جوان‌ها سعی می‌کنند لباس‌هایی بپوشند که لااقل شبیه مد روز اروپا باشد. حاج عباس که میانه خوبی با فضای مجازی ندارد با افتخار می‌گوید: «مد لباس دوران جوانی ما واقعاً مردانه بود. کت حالت قبا داشت و تا روی زانو بلند بود. خیاط‌های ماهر و خوبی داشتیم که از الگو استفاده نمی‌کردند و با متر اندازه می‌گرفتند اما امروز خیاط‌ها استاد مقوا شده‌اند و با الگوهایی که روی مقوا خط کشی شده سری‌دوزی می‌کنند و به بازار می‌فرستند. سری‌دوزی کت و شلوار را هم اغلب کارگران افغانی انجام می‌دهند و در افسریه، مشیریه و شهرری کارگاه‌های زیادی دارند. این کارفرماها بدون آن که بیمه و مالیات پردازند هفته‌ای ۲۰ هزار دست کت و شلوار می‌دوزند و به مغازه‌های باب همایون می‌دهند.»

بر خلاف حاج عباس و سید محمود که معتقدند جوان‌ها از مد قدیم بیزارند، محمد اعتقاد دارد نسل جوان امروز دوباره به مد گذشته برگشته و دوباره علاقه‌مند به کت‌های یقه پهن و پوشیدن جلیقه زیر کت شده. محمد از ۱۴ سالگی وارد حرفه کت و شلواری شده و حالا در ۳۰ سالگی مثل یک فروشنده باتجربه در همان نگاه اول متوجه می‌شود که مشتری دنبال چه نوع کت و شلواری است. با دست مرد میانسالی را که به کت و شلوارهای پشت ویتترین خیره شده اشاره می‌کند و می‌گوید: «این آقا دنبال کت و شلوار پارچه ایرانی است و علاقه‌ای به کت‌های اندامی و تک دکمه ندارد.» در همین هنگام مشتری وارد مغازه می‌شود و از کت و شلوارهای کلاسیک با پارچه مطهری قیمت می‌گیرد.

محمد معتقد است خرید کت و شلوار سلیقه‌ای است و ما باید برای هر سلیقه‌ای کت و شلوار داشته باشیم. البته به گفته او تنها اولویت ۲۰ درصد جوان‌های امروزی در پوشاک خرید کت و شلوار است و آن هم اگر شرایطی مثل عروسی نزدیکان باشد: «ایران بهترین پارچه‌ها را دارد ولی جوان‌ها این پارچه‌ها را نمی‌پسندند چون پشم دارد و کدر است و می‌گویند بیشتر مناسب پیرمردهاست. آنها ترجیح می‌دهند سراغ

پارچه‌های چینی که جلوه قشنگتری دارند بروند حتی اگر بخواهند یک یا دوبار در سال تن کنند. البته خود من برای محل کار ترجیح می‌دهم کت و شلوار ایرانی تنم کنم ولی برای مجالس کت و شلوار خارجی را بیشتر می‌پسندم.»

حاج عباس گریزی هم به خشکشویی‌ها می‌زند و با لبخند می‌گوید: «خیلی از خشکشویی‌ها فقط آبشویی می‌کنند ولی پول خشکشویی می‌گیرند. دور ماشین‌های لباسشویی خشکشویی‌ها تند است و تار و پود لباس را به هم میریزد. کت و شلوارهایی که برند هستند همگی شناسنامه دارند و روی آن نوشته شده است که به هیچ عنوان با ماشین لباسشویی شسته نشود اما ما کت و شلوار را به خشکشویی می‌دهیم و در نتیجه بعد از چند بار شست و شو دیگر قابل استفاده نیست. هنوز هم معتقدم که خیاط ایرانی بهترین خیاط دنیا است اما ابزار مناسب ندارد. چرخ خیاطی‌های امروزی هر ۲۰ سانت نخ پاره می‌کند و به همین دلیل دوخت یک کت و شلوار خیلی سخت‌تر از سری‌دوزی است.»

محمد برخلاف حاج عباس می‌گوید دیگر خبری از کارگرها و سری‌دوزهای افغانستانی نیست: «وقتی قیمت دلار بالا رفت و ارزش پول ما کم شد کارگران افغانی ترجیح دادند به کشور خودشان بازگردند. سرایدار کارخانه ما حتی حاضر نشد حقوق سه ماه آخرش را بگیرد و به کشورش برگشت.»

به گفته او کمترین قیمت کت و شلوار باب همایون بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان است و گرانترین کت و شلوار هم بین یک تا ۲ میلیون. در باب همایون دیگر خبری از کت و شلوار ۵۰ هزار تومانی نیست.»